

(۶۵۰/۱) از آن به صورت حرمة السماع یاد کرده و بروکلمان (GAL,S) همانجا) به گونهٔ الکلام فی مسألة السماع ضبط نموده است؛ ۱۳. مناسک الحج. نسخه‌ای از آن در لکهنو موجود است (فهرست، ۱۴۳/۳).

ج - آثار یافت نشده: ۱. اقتضاء الذکر بحصول الخیر و دفع الشر (صفدی، همانجا)؛ ۲. بطلان الکیما من اربعین وجهاً (ابن رجب، ۴۵۰/۲)؛ ۳. بیان الدلیل علی استغناء المسابقة عن التحلیل (همو، ۴۴۹/۲). صفدی (همانجا) آن را به صورت بیان الاستدلال علی بطلان محلل السباق والنضال ضبط کرده است؛ ۴. التحریر فیما یحل و یحرم من لباس التحریر (ابن رجب، ۴۵۰/۲) که صفدی (همانجا) صدر آن را به صورت التحبیر بما یحل و یحرم لبسه من الحریر خوانده است؛ ۵. تفضیل مکه علی المدينة (ابن رجب، همانجا؛ سخاوی، ۲۸۰)؛ ۶. جوابات عابدی الصلیبان وان ما هم علیه دین الشیطان (ابن رجب، همانجا)؛ ۷. حکم اغمام هلال رمضان (همانجا)؛ ۸. الرسالة الحلیة فی الطریقة المحمدیة (صفدی، همانجا؛ حاجی خلیفه، ۸۶۱/۱)؛ ۹. رفع التنزیل (همو، ۹۰۹/۱)؛ ۱۰. رفع الیدین فی الصلاة (ابن رجب، همانجا؛ صفدی، ۲۷۱/۲)؛ ۱۱. زاد المسافرین الی منازل السعداء فی هدی خاتم الانبیاء (ابن رجب، ۴۴۹/۲)؛ ۱۲. شرح الاسماء الحسنی (همو، ۴۵۰/۲)؛ ۱۳. شرح اسماء الكتاب العزیز (همو، ۴۴۹/۲)؛ ۱۴. الصراط المستقیم فی احکام اهل النجیم (ابن رجب، ۴۵۰/۲)؛ ۱۵. الصبر والشکر (حاجی خلیفه، ۱۴۳۲/۲)؛ ۱۶. الطاعون (ابن رجب، همانجا)؛ ۱۷. الفرق بین الخلّة والمحبة ومناظرة الخلیل لقومه (همانجا)؛ ۱۸. فضل العلماء (همانجا)؛ ۱۹. الکبائر (همانجا)؛ ۲۰. المسائل الطرابلسیة (همانجا)؛ ۲۱. معانی الادوات والحروف (صفدی، ۲۷۲/۲)؛ ۲۲. مقتضى السياسة فی شرح نکت الحماسة (بغدادی، ۵۴۰/۲)؛ ۲۳. المهذب فی القراءات العشر (حاجی خلیفه، ۱۹۱۴/۲)؛ ۲۴. نقد المنقول والمحک الممیز بین المرود والمقبول (داوودی، ۹۶/۲)؛ ۲۵. نکاح المحرم (ابن رجب، همانجا)؛ ۲۶. نور المؤمن و حیاتہ (همانجا).

مأخذ: ابن حجر، احمد بن علی، الدرر الكامنة، حیدرآباد دکن، ۱۳۹۶ ق/ ۱۹۷۶ م؛ ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد، الذیل علی طبقات الحنابلة، به كوشش محمد حامد الفقی، قاهره، ۱۳۷۲ ق/ ۱۹۵۳ م؛ ابن شطی، محمد جلیل بن عمر، مختصر طبقات الحنابلة، به كوشش نواز الزمرلی، بیروت، دارالكتاب العربی؛ ابن عماد، عبدالحی بن احمد، شذرات الذهب، قاهره، ۱۳۵۱ ق؛ ابن قیم جوزیه، محمد بن ابوبکر، اجتماع الجیوش الاسلامیة، بیروت، ۱۴۰۴ ق/ ۱۹۸۲ م؛ همو، «اسماء مؤلفات ابن تیمیة»، به كوشش صلاح‌الدین منجد، مجلة المجمع العلمی العربی، دمشق، ۱۳۷۲ ق/ ۱۹۵۳ م، شه ۲۸، همو، اغانة اللیغان، به كوشش محمد حامد الفقی، قاهره، ۱۳۵۷ ق؛ همو، الامثال فی القرآن الکریم، به كوشش سعید محمد نمر الخطیب، بیروت، ۱۹۸۱ م؛ همو، روضة المعین، حلب، ۱۳۸۷ ق؛ همو، زاد المعاد، به كوشش شعب ارنؤوط و عبدالقادر ارنؤوط، بیروت، ۱۴۰۲ ق/ ۱۹۸۲ م؛ همو، الطرق الحکمة، به كوشش محمد حامد الفقی، قاهره، ۱۳۷۲ ق/ ۱۹۵۳ م؛ همو، طریق الهمزین، به كوشش قصی محی‌الدین خطیب، قاهره، ۱۳۷۶ ق؛ همو، مختصر الصواعق المرسله، تلخیص محمد بن موصلی، بیروت، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م؛ همو، مدارج السالكین، به كوشش محمد حامد الفقی، بیروت، ۱۳۹۲ ق؛ همو، المنار النیف، به كوشش عبدالفتاح ابوغده، حلب، ۱۳۹۰ ق؛ ابن کثیر، البداية؛ ابوغده،

عبدالفتاح، مقدمه بر المنار (نک: ابن قیم در همین مأخذ)؛ ارنؤوط، شعب، مقدمه بر زاد المعاد (نک: ابن قیم در همین مأخذ)؛ بغدادی، ابیضاح؛ بهادر، میرعثمان علی خان، فهرست کتب عربی و فارسی و اردو مخزنهٔ کتب خانة آصفیه، حیدرآباد دکن، ۱۳۵۵ ق؛ جبوری، عبدالله، فهرس مخطوطات حسن الانکرلی المهداة الی مکتبة الاوقاف العامة بغداد، نجف، ۱۳۸۷ ق/ ۱۹۶۷ م؛ حاجی خلیفه، کشف؛ حسینی، محمد بن علی، ذیول العبر، به كوشش محمد سعید بن بیسوی، بیروت، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م؛ داوودی، محمد بن علی، طبقات المفسرین، بیروت، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م؛ زرکلی، اعلام؛ زریاب خویی، عباس، بزم‌آورد، تهران، ۱۳۶۸ ش؛ سخاوی، محمد بن عبدالرحمن، الاعلان بالتوبیخ، بغداد، ۱۳۸۲ ق/ ۱۹۶۳ م؛ سیوطی، بقیة الوعاة، به كوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۴ ق/ ۱۹۶۴ م؛ شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل والنحل، قاهره، ۱۳۷۵ ق/ ۱۹۵۶ م؛ صفدی، خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، به كوشش هلموت ریتز، بیروت، ۱۳۸۱ ق/ ۱۹۶۱ م؛ فهرست نسخه‌های خطی عربی کتابخانهٔ ندوة العلماء لکهنو، دهلی نو، ۱۳۶۵ ش؛ فهرس مخطوطات جامعة الملك سعود (اصول الدین والفرق الاسلامیة)، ریاض، ۱۴۰۲ ق/ ۱۹۸۲ م؛ توجی، صدیق بن حسن، التاج المکمل، به كوشش عبدالحکیم شرف‌الدین، بمبئی، ۱۳۸۳ ق/ ۱۹۶۳ م؛ کوپزیلی، خطی؛ مراغی، عبدالله مصطفی، الفتح النبیین فی طبقات الاصولیین، بیروت، ۱۳۹۴ ق/ ۱۹۷۴ م؛ مقریزی، احمد ابن علی، السلوک، به كوشش محمد مصطفی زیاده، قاهره، ۱۳۷۸ ق/ ۱۹۵۸ م؛ منجد، صلاح‌الدین، مقدمه بر اسماء مؤلفات (نک: ابن قیم در همین مأخذ)؛ نعیمی، عبدالقادر بن محمد، الدارس فی تاریخ المدارس، به كوشش جعفر حسنی، دمشق، ۱۳۶۷ ق/ ۱۹۴۸ م؛ نقشبندی، اسامه ناصر و ظمیه محمد عباس، مخطوطات الادب فی المتحف العراقي، کویت، ۱۹۸۵ م؛ نمر الخطیب، سعید محمد، مقدمه بر الامثال (نک: ابن قیم در همین مأخذ)؛ نیز؛

Ahlwardt; GAL; GAL,S; Laoust, H., "Le Hanbalisme sous les Mamlouks bahrides", *Revue des études islamiques*, Paris, 1960, vol. XXVIII.

نجیب مایل هروی

ابن کاکویه، نک: آل کاکویه.

ابن کمال، ابو عبدالله محمد بن محمد بن هارون بزازی حلی (ذیحجهٔ ۵۱۵ - ذیحجهٔ ۵۹۷ / فوریهٔ ۱۱۲۲ - سپتامبر ۱۲۰۱)، مقری، محدث و مفسر امامی، شهرت او در برخی از منابع (مثلاً ورام، ۲۳/۱)؛ ذهبی، العبر، ۱۲۰/۳؛ قس: ابن نقطه، ۲۱۳/۱)؛ به صورت «ابن الکیال» و گاه به شکل‌های محرف «ابن الکمال» و «ابن الکامل» ضبط شده است (نک: ابن طاووس، ۵۹۵؛ ذهبی، تذکره، ۱۳۴۸/۴)؛ دربارهٔ صورتهای گوناگون کلمه، نیز نک: آقا بزرگ، ۲۸۷ - ۲۸۸). از آنجا که وی برای گذران زندگی به‌بیشة بزازی می‌پرداخته به «بزازی» نیز شهرت یافته است (ذهبی، المختصر، ۷۰). در منابع قدیم‌تر به مذهب او اشاره‌ای نرفته است، اما برخی منابع متأخر شیعی او را در زمرهٔ امامیه شمرده‌اند، و قرآینی بر این امر گواهی دارد (مثلاً نک: حر عاملی، ۳۱۱/۲؛ قس: کتاب سلیم بن قیس، ۶۳). وی در بغداد به دنیا آمد و در حلهٔ پرورش یافت. سپس برای کسب علم به بغداد بازگشت و در آنجا از ابوالعلاء همدانی، ابوالکریم شهرزوری، سبط خیاط و دعوان بن علی جبّی قرائت آموخت و از جمعی از مشایخ استماع حدیث کرد. پس از آن به حلهٔ بازگشت و به‌تعلیم قرائت و حدیث پرداخت (منذری، ۴۰۳/۱ - ۴۰۴؛ ابن ساعی، ۷۲/۹؛ ذهبی، المختصر، همانجا). ابن کمال همچنین در موصل از یحیی بن سعدون قرطبی قرائت و حدیث فرا

دیگری چون نحو، شعر، تاریخ، ایام عرب و رجال نیز تبحر یافت (قفطی، ۹۷/۱؛ خطیب، همانجا)، ولی به نظر می‌رسد که شهرت اصلی وی در علوم قرآن بوده است (نک: ابن ندیم، همانجا). افرادی چون ابوبکر ابن مهران، احمد بن محمد بن عبیدون و ابراهیم بن احمد مروزی از او قرائت آموخته‌اند (ابن جزری، همانجا؛ برای نمونه‌هایی از نقش او در روایت قرائات، نک: ابن مهران، ۷۱، ۷۴، ۷۵، ۷۶؛ اندرابی، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶). در حدیث نیز جمع کثیری چون ابوالحسن دارقطنی، حاکم نیشابوری، ابو عبیدالله مرزبانی، ابوعلی ابن‌شاذان، ابوبکر دوری و ابراهیم بن مخلد باقرحی از او روایت کرده‌اند (دارقطنی، ۲۱/۱، جم: حاکم، ۳۲/۱؛ نجاشی، ۱۶۲؛ طوسی، ۱۵۰؛ ذهبی، ۵۴۵/۱۵). شاگردش ابن‌رزقویه بسیار از او ستایش کرده، اما دارقطنی معتقد است که او در نقل حدیث تساهل داشته است (نک: خطیب، ۳۵۸/۴). جایگاه ابن کامل در تاریخ را نیز نباید نادیده گرفت. اگر چه کتاب‌التاریخ وی اکنون در دست نیست، اما نوشته‌های تاریخی او تا قرن‌ها بعد مورد استفاده مؤلفان بوده است (نک: زبیدی، ۱۰۱؛ سیدمرتضی، امالی، ۲۲۷/۱؛ خطیب، ۴۰/۳؛ همدانی، ۱۵۴/۱؛ یاقوت، ۱۰۷/۴؛ ابن کثیر، ۲۹۲/۱۰، ۳۴۲، ۱۰۷/۱۱؛ علیمی، ۱۴۳/۱، ۷۶/۲). همچنین منقولاتی در باره اهل بیت (ع) از کتاب تاریخ وی مورد توجه مؤلفان قرار گرفته است (نک: سیدمرتضی، السافی، ۱۱۴/۴؛ ابن شهر آشوب، ۳۶۳/۳؛ قس: دلائل الامامة، ۵۰؛ جونی، ۲۷۹/۱، ۳۰۱-۳۰۲). ابن کامل راوی تاریخ طبری از خود اوست و در این امر نقش مهمی داشته است (نک: ابوعلی مسکویه، ۱۸۴/۲، که تاریخ طبری را به واسطه ابن کامل روایت کرده است؛ قس: ابن اثیر، ۵۳/۸). رابطه ابن کامل با محمد بن جریر طبری خود یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های شخصیت علمی اوست، چنانکه او را در جرگه آن دسته از شاگردان طبری شمرده‌اند که مدتی از مذهب فقهی وی پیروی می‌کردند. در واقع ابن کامل یکی از مهم‌ترین فقیهان جریری است که تألیفات متعددی در این مذهب داشته است و از میان آنها دو کتاب الشروط الکبیر و الشروط الصغیر که از اولین نوشته‌ها در این زمینه هستند، بیشتر قابل توجهند (نک: ابن ندیم، ۲۹۲)؛ اما گویا پس از مدتی ابن کامل تقلید را کنار گذاشت و در رأی خود مستقل گردید (خطیب، ۳۵۹/۴؛ قس: ذهبی، ۵۴۶/۱۵)، البته به جزئیات آراء فقهی وی در این دوره اشاره‌ای نشده است (قس: ابن ابی‌الوفاء، ۹۰؛ ابن قطلوبغا، ۱۴، که نام او را در زمره حنفیان آورده‌اند). در توضیح اینکه اکثر منابع از او با عنوان قاضی یاد کرده‌اند، خطیب بغدادی (۳۵۷/۴) بدون اشاره به تاریخی معین گوید که وی از جانب قاضی القضاة ابو عمر محمد بن یوسف، قضای کوفه را برعهده داشت. ابوعلی مسکویه (۱۰۳/۱) نیز ذیل حوادث سال ۳۱۱ ق از حضور او به عنوان قاضی در مناظره حامد بن عباس در بغداد یاد کرده است.

ابن ندیم (صص ۲۵، ۲۹۲) آثار متعددی را از ابن کامل نام برده که نشانی از آنها در دست نیست. تنها تألیف موجود وی اخبار القضاة

گرفت (منذری، ذهبی، همانجا). علاوه بر اینها، از نظام الشرف ابوالحسن عربی، علی بن عبدالسید بن صباح و فضل بن سهل اسفراینی نیز استفاده کرده است (کتاب سلیم بن قیس، ورام، منذری، همانجا).

از جمله شاگردان و راویان وی ورام بن ابی فراس، ابوالحسن علی بن خیاط، شریف محمد بن عمر داعی و ابن دبیتی را می‌توان نام برد. شخص اخیر این کال را در واسط و حله ملاقات کرده و قرائات دهگانه را نزد وی خوانده است (ذهبی، المختصر، همانجا؛ ابن جزری، النشر، ۹۲/۱؛ صاحب معالم، ۲۳/۱۰۶؛ قس: ذهبی، معرفة، ۴۵۳/۲). وی همچنین از مشایخ اجازه محمد بن جعفر مشهدی بوده است (صاحب معالم، همانجا). ابن کال به‌عنوان حلقه‌ای مؤثر در سلسله انتقال قرائات جای دارد. او افزون بر قرائات مشهور به قرائات شاذ نیز توجه داشته است (ذهبی، معرفة، همانجا؛ ابن جزری، غایه، ۲۵۶/۲). در اجازه صاحب معالم (همانجا) نام ۳ اثر از او آمده است که نسخه‌ای از آنها در دست نیست: مختصر التیان فی تفسیر القرآن، متشابه القرآن، اللحن الخفی واللحن الجلی. ابن کال سرانجام در حله وفات یافت (ذهبی، المختصر، همانجا).

ماخذ: آقازرگ، طبقات اعلام الشيعة، قرن ۶، به‌کوشش علی نقی منزوی، بیروت، ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م؛ ابن جزری، محمد بن محمد، غایه النهایة فی طبقات القراء، به‌کوشش گ. برگستر، قاهره، ۱۳۵۱ ق / ۱۹۳۲ م؛ همو، النشر، به‌کوشش علی محمد ضیاع، قاهره، کتابخانه مصطفی محمد؛ ابن ساعی، علی بن انجب، الجامع المختصر، به‌کوشش مصطفی جواد، بغداد، ۱۳۵۳ ق / ۱۹۳۴ م؛ ابن طاووس، علی بن موسی، التحصین، به‌کوشش محمد انصاری، بیروت، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۸۱ م؛ ابن نقطه، محمد بن عبدالغنی، الاستدراک، نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکز؛ حر عاملی، محمد بن حسن، امل الأمل، به‌کوشش احمد حسینی، بغداد، ۱۳۸۵ ق؛ ذهبی، محمد بن احمد، تذکره الحفاظ، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۳ - ۱۳۳۴ ق؛ همو، العبر، به‌کوشش محمد سعید زغلول، بیروت، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م؛ همو، المختصر المحتاج الیه من تاریخ ابن دبیتی، بیروت، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م؛ همو، معرفة القراء الکبار، به‌کوشش محمد سید جاد الحق، قاهره، ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م؛ صاحب معالم، حسن بن زین الدین، «الاجازة الکبیرة»، بحار الانوار مجلسی، بیروت، ۱۴۰۳ ق؛ ۱۹۸۳ م؛ کتاب سلیم بن قیس، به‌کوشش علوی حسنی نجفی، بیروت، ۱۴۰۰ ق / ۱۹۸۰ م؛ منذری، عبدالعظیم بن عبدالقوی، التکملة لوفیات النقلة، به‌کوشش یشار عواد معروف، بیروت، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۴ م؛ ورام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر، قم، چاپخانه علمیه.

بخش فقه، علوم قرآنی و حدیث

ابن کامل، ابوبکر احمد بن کامل بن خلف بن شجره (۲۶۰ - ۸ محرم ۳۵۰ ق / ۸۷۴ - ۲۷ فوریه ۹۶۱ م)، عالم در علوم قرآن، فقیه و قاضی بغدادی. او را متسوب به جدش شجری نیز خوانده‌اند (سمعانی، ۶۵/۸). وی در سامرا زاده شد و در بغداد سکنی گزید (ابن ندیم، ۳۵؛ خطیب، ۳۵۷/۴). تحصیلات اولیه‌اش را در آنجا آغاز نمود و قرائت را به طریق عرض از ابوبکر اصبهانی، محمد بن یحیی کسائی صغیر و دیگران فرا گرفت (ابن جزری، ۹۸/۱). از گروهی از مشایخ حدیث چون حارث بن ابی أسامه، احمد بن ابی خثیمه، ابوقلابه رقاشی، محمد بن سعد عوفی و عبدالله بن روح مدائنی بهره برد و در علوم